امروز سوم خرداد، چهل‌ویکمین سالگرد آزادی خرمشهر است

برای دلاورانی در جناح ایران

شرق: اگرچه در تاریخ هشت‌ساله جنگ تحمیلی فرازوفرودها و روزهای تلخ و شیرین بسیاری تجربه شد؛ اما سوم خرداد ماه ۱۳۶۱ از آن روزهایی است که صفحه جدیدی را برای غرور ملی باز کرد. ساعت ۳۰ دقیقه بامداد ۱۰ اردیبهشت، سرنوشت‌سازترین عملیات ایران علیه عراق با نام «الی بیت‌المقدس» و رمز «یا علی ابن ابی‌طالب» در محور اهواز - خرمشهر - دشت آزادگان به فرماندهی مشترک سپاه و ارتش و با هدف آزادسازی خرمشهر آغاز شد؛ عملیاتی که در چهار مرحله و سه هفته ادامه یافت و در آن پنج‌هزارو ۳۸ کیلومتر مربع از اراضی اشغالی ازجمله شهرهای خرمشهر، هویزه، پادگان حمیدیه و جاده اهواز - خرمشهر آزاد شد. علاوه‌براین شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد از تیررس توپخانه دشمن خارج شدند و ۱۸۰ کیلومتر از خط مرزی تأمین شد. پس از این عملیات عراق تا مدتی در لاک دفاعی خزید و کشورهای عرب منطقه که موقعیت خود را در خطر می‌دیدند، به تقویت مالی و نظامی عراق مبادرت کردند. ازاین‌رو پیروزی در عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر بی‌شک نقطه عطفی در دفاع مقدس بود. این نقطه عطف منشأ و مبدأ بسیاری از اتفاقات ریز و درشت بعدی تا پایان جنگ شد که صدالبته با گذشت ۴۱ سال از این عملیات هنوز ناگفته‌های بسیاری درباره آن وجود دارد. از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین فرازهای چالشی این عملیات به روزهای پس از آزادسازی خرمشهر بازمی‌گردد که تا به اکنون محل مناقشه جدی سیاسی و تاریخی است تا جایی که نحوه عملکرد ایران در ادامه جنگ و مهم‌تر از آن ورود به خاک عراق در عملیات رمضان، در چهار دهه گذشته با خوانش‌های متعدد، متفاوت و متضادی دست به گریبان بوده است و همچنان فضای دوقطبی ذیل هر دو موضوع (ادامه یا توقف جنگ بعد از فتح خرمشهر و ورود به خاک عراق) در محافل تحلیلی مشاهد می‌شود. در این سال‌ها طرفداران هرکدام از این دیدگاه‌ها دلایل فراوانی را برای اثبات نظر خود مطرح کرده و می‌کنند که گواه آن است این مناظره و منازعه سیاسی - تاریخی با قدرت ادامه دارد، به نحوی که نمی‌توان دیدگاه هیچ‌کدام از طرفین را نادیده گرفت؛ چراکه هرکدام بخشی از واقعیت‌های آن زمان را در تحلیل و تبیین نگاه‌شان مطرح می‌کنند.

دراین‌باره مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات خود چنین می‌نویسد: «در مجلس بودم. هنگام تنفس با جبهه تماس گرفتم، معلوم شد که خرمشهر کاملا محاصره شده و دشمن درحال تسلیم‌شدن است. پس از تنفس این پیروزی را در شروع جلسه تبریک گفتم و از رزمندگان تقدیر کردم. تا شب هم به‌طور مرتب از جبهه خبر می‌گرفتم. خبرها حاکی از کثرت اسرا بود و قلت شهدای ما. دشمن کشته و زخمی زیادی داشت و غنیمت فراوانی به جا گذاشته بود؛ اما درمورد احساسم از آزادی خرمشهر، باید بگویم خیلی خوشحال شدم و خدا را شکر کردم. خرمشهر برای ما خیلی مهم و سرنوشت‌ساز بود. همه امکانات را بسیج کرده بودیم تا نیروها بتوانند این شهر استراتژیک را از چنگ دشمن آزاد کنند. اطمینان داشتیم که این کار انجام می‌شود و می‌دانستیم با آزادی خرمشهر سرنوشت جنگ به نفع ایران رقم خواهد خورد که بحمدالله خرمشهر آزاد شد و شور و نشاط خاصی به همه داد. امام هم بلافاصله پیام تقدیر و شادباش دادند و حکومت‌های هم‌جوار منطقه را نصیحت کردند و به آنها تاکید کردند که اگر از اطاعت بی‌چون‌وچرای آمریکا و بستگان آن دست بردارید و با ما به حکم اسلام و قرآن کریم رفتار کنید، از ما جز خیر و پشتیبانی نخواهید دید». مرحوم هاشمی درباره موضوع ادامه یا توقف جنگ بعد از عملیات بیت‌المقدس هم در خاطرات خود چنین نقل می‌کند که «تصمیم به جنگ و صلح در اختیار فرماندهی کل قوا بود که امام بودند. نظر سران کشور، جنبه مشورتی داشت و اگر نظری داشتند، بیان می‌کردند؛ اینکه می‌گویند ما در آن سال‌ها می‌توانستیم جنگ را تمام کنیم، باید گفت: بله، اگر می‌خواستیم، می‌توانستیم جنگ را تمام کنیم؛ اما به اهدافمان نمی‌رسیدیم؛ اولا در آن زمان بیش از هزار کیلومتر از زمین‌های خیلی باارزش ما یعنی ارتفاعات غرب که به لحاظ نظامی بسیار ارزشمند بود، در اختیار صدام بود. اگر نیروهای ما در این ارتفاعات مستقر بودند، تا بغداد بر عراق مشرف می‌شدند؛ اما در آن زمان این ارتفاعات دست عراقی‌ها بود و آنها بر نیروهای ما مشرف بودند که این خیلی خطرناک بود».

مرحوم هاشمی در خاطراتش این را هم یادآور می‌شود که «شرایط و وضع به گونه‌ای بود که بحث پایان جنگ هیچ زمینه‌ای نداشت و هیچ‌کس نمی‌توانست صحبت از آتش‌بس کند. خیلی طبیعی بود که برنامه‌ریزی شود تا جنگ را به آن صورتی که امام می‌خواستند، ادامه بدهیم. البته دست بالا را هم در جنگ داشتیم و نیروها، مردم و مسئولان نمی‌پذیرفتند به آسانی صرف‌نظر کنیم. مهم‌تر آنکه طرف‌های درگیر و آنهایی هم که برای میانجیگری می‌آمدند، حاضر نبودند حقوق ما را بدهند». هاشمی می‌گوید: «در همان زمان که همه شعار «جنگ جنگ تا پیروزی» می‌دادند، امام «جنگ تا رفع فتنه» را مطرح کردند که این حرف ایشان مستدل به آیه قرآنی بود که می‌فرماید: قاتلوهم حتی لا تکون فتنه و یکون الدین کلمه الله. استدلال دیگر ما این بود که هنوز ارتش عراق در خیلی از قسمت‌ها در خاک ماست و حدود هزار کیلومتر در اشغال آنهاست. اینها استدلال امام و به تبع ایشان ما بود که جوابی به بیانیه‌ها [نهضت آزادی] و حرف‌های دیگران بود. چون دیگرانی هم بودند که به‌عنوان مخالف، استدلالات دیگری داشتند». فارغ از اینکه ادعای کدام طیف برای پایان‌دادن به جنگ در سال ۶۱ درست یا غلط است و اساسا می‌توان در بستر تاریخ، امری را «درست» یا «غلط» تلقی کرد، دراین‌بین آنچه باید همواره ملاک نظر و توجه باشد، این است که هر اتفاق و موضوعی باید در ظرف زمانی و مکانی خود بررسی شود؛ ازاین‌رو بازخوانی و تحلیل تاریخی این مسئله از هر منظری و با هر عینک سیاسی نمی‌تواند ملاک متقنی برای یک قضاوت عادلانه باشد. با این حال در یک آسیب‌شناسی در سال‌های بعد از جنگ تحمیلی همواره از سوی برخی فعالان سیاسی سعی شده که موضوع دفاع مقدس، شهدا و مناسبت‌هایی از این دست با نگاهی انحصارگرایانه، یک مقوله سیاسی - تاریخی تعریف شود که دارای کارکرد حزبی است؛ درحالی‌که با بررسی تحلیلی سال‌های دفاع مقدس عملا نمی‌توان با عینک حزبی و سیاسی به آن نگاه کرد؛ چراکه رزمندگان و شهدا برای دفاع از خاک و ارزش‌های اعتقادی هیچ‌گاه خوانش جناحی نداشته‌اند. اکنون به نظر می‌رسد برخی از کنشگران سیاسی- جناحی طوری رفتار می‌کنند که انگار تمام حوزه دفاع مقدس به نام یک جریان سند خورده است و صرفا آنها خود را وامدار و میراث‌دار ارزش‌ها می‌دانند. چنین نگاهی اگر برای تصفیه سیاسی و در جهت بقای سیاسی، تلاش کند از نشانه‌های دفاع مقدس در قالب امری «مقدس» به‌عنوان برچسب‌زنی در قبال رقبای سیاسی استفاده کند، قطعا آسیبی بزرگ برای یک پیشینه و افتخار ملی و اعتقادی ایجاد کرده است. کاربرد ابزاری از شهادت، رزمندگان و... سبب شده تا در طول سال‌های بعد از جنگ گاهی تصویری از دفاع مقدس عرضه شود که صرفا مماس با برداشت حزبی باشد که می‌تواند هیچ ربطی به تصویر واقعی نداشته باشد. غافل از آنکه چنین استفاده ابزاری حزبی از دفاع مقدس نه‌تنها آنان را از گزند انتقادهای بنیادین در امان نگه نخواهد داشت؛ بلکه جریان مذکور را به‌شدت آسیب‌پذیر خواهد کرد و از آن مهم‌تر می‌تواند به ارزش‌زدایی و پس‌زدگی از جنگ تحمیلی در نسل حاضر منجر شود تا به آن نقطه که امروز قرابت عمومی با تاریخ دفاع مقدس میزان مطلوبی را نشان نمی‌دهد و ظاهرا تمایل آشکاری هم به شناخت آن دوره هشت‌ساله در بخشی از جامعه دیده نمی‌شود.

باید پذیرفت که در جامعه سیاست‌زده ایران چون استفاده ابزاری از دفاع مقدس برای برخی جریان‌های سیاسی در دهه‌های گذشته حد مشخصی نداشته است، به همان میزان شکاف عمیقی با تمام موضوعات مربوط به جنگ تحمیلی قابل مشاهد است؛ شکافی که در نتیجه استفاده ابزاری و استفاده سیاسی به‌عنوان اصل سیاست و رفتار سیاسی از سوی برخی جناح‌ها و جریان‌ها برای قبضه‌کردن و مصادره‌کردن دفاع مقدس شکل گرفته است. این گزارش و این نگاه صرفا تلنگری بود که به یاد آوریم روزگاری در این کشور جنگی درگرفت که جوانانش سینه سپر کردند، جان دادند و ایستادند تا برای همیشه نام میهن آن‌قدر بزرگ ادا شود که بتوان بر قله‌های افتخارش ایستاد. واهمه‌ای نداریم که با صدای بلند برای شهدای جنگ تمثیل‌سازی کنیم و مقام امثال باکری‌ها، همت‌ها، بروجردی‌ها، باقری‌ها، آبشناسان‌ها، بابایی‌ها و دلاورانی مانند دوران‌ها، شیرودی‌ها، خلعتبری‌ها و... را در سالروز آزادی خرمشهر ارج نهیم که اهالی این سرزمین بودند و در جناح ایران ایستادند.

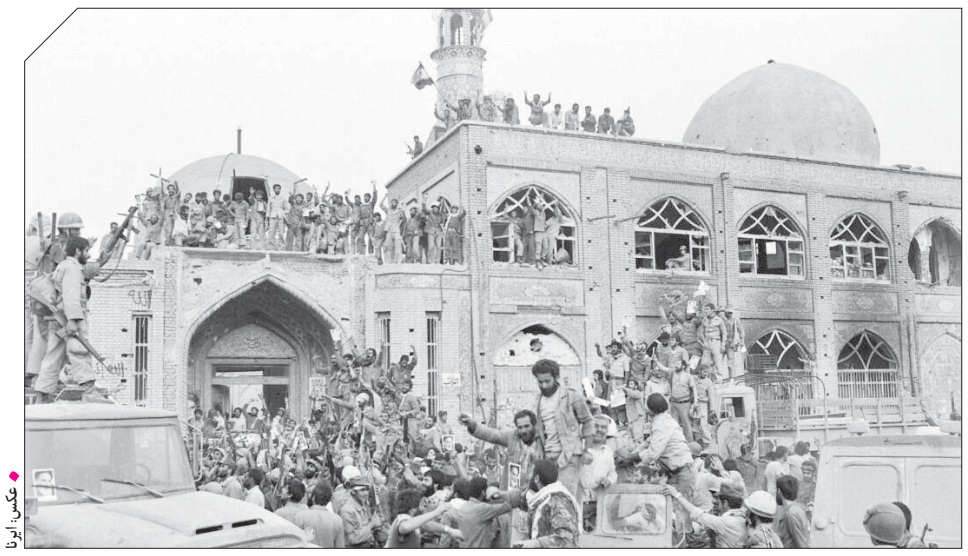

عکس: ایرنا

گزارش

بعد از ۱۷ سال، رئیس‌جمهوری ایران وارد جاکارتا شد

رئیسی به دنبال رستاخیز شرقی

امضای ۱۱ تفاهم‌نامه از جمله تفاهم‌نامه مربوط به لغو روادید میان تهران و جاکارتا

بعد از ۱۷ سال یک رئیس‌جمهور از ایران وارد جاکارتا پایتخت اندونزی شد. سفر سیدابراهیم رئیسی به اندونزی در شامگاه دوشنبه به دعوت رسمی «جوکو ویدودو» همتای خود، در راستای گسترش و تعمیق تعاملات اقتصادی و سیاسی با کشورهای آسیایی و تنوع‌بخشی شرکا در حوزه سیاست خارجی انجام شد. سفر به اندونزی در چارچوب راهبرد نگاه به شرق دولت سیزدهم اهمیت دارد و کارشناسان معتقدند «از آنجا که اندونزی یکی از بزرگ‌ترین کشورهای مسلمان جهان است، ارتباطات با این کشور تأثیر فراوانی بر ارتقای سازمان جنبش عدم تعهد و بهبود روابط با کشورهای شرق آسیا خواهد داشت و سفر رئیس‌جمهوری کشورمان به جاکارتا، دستاوردهای زیادی در حوزه‌های اقتصادی، تجاری و سیاسی دارد». رئیس‌جمهور پیش از عزیمت به جاکارتا و در فرودگاه مهرآباد مهم‌ترین اهداف سفرش را امضای تفاهم‌نامه‌هایی در حوزه‌های اقتصادی، تجاری، فرهنگی، گمرکی و بهداشتی اعلام کرد و نگاه صلح‌محور دو کشور مسلمان را از مهم‌ترین محورهای مشترک سیاست خارجی ایران و اندونزی دانست. پیوند تمدنی، فرهنگی و مذهبی دو کشور و اولویت چندجانبه‌گرایی برای تهران و جاکارتا، موضوعاتی بود که آیت‌الله رئیسی پیش از ترک تهران به‌عنوان دلایل و بسترهای سفر به جاکارتا برشمرد. سفر به سرزمین جزیره‌ها اما در پی یک استراتژی و با اهداف مشخص انجام می‌شود؛ استراتژی‌ای که در تمام ۱۱ سفر آیت‌الله رئیسی در ۲۰ ماه از آغاز فعالیتش مشهود است و می‌توان آن را از مهم‌ترین ویژگی‌های دولت سیزدهم برشمرد.

نباید فراموش کرد که اندونزی با جمعیتی نزدیک به ۳۰۰ میلیون نفر که بیشتر آنها مسلمان هستند، فرصت خوبی در تعاملات تجاری و بازرگانی برای ایران است. اگرچه فاصله ایران تا اندونزی زیاد است و جاکارتا در شرق آسیا و تهران در غرب آن قرار دارد، اما مناسبات تاریخی و فرهنگی میان دو کشور شایان توجه و البته تأمل است. بُعد مسافت مانع حضور مبلغان و بازرگانان ایرانی و مسلمان در این منطقه نشده و این مهم یکی از عوامل در ترویج و گسترش اسلام در آن منطقه است. آثاری از تمدن مالایی‌ها در آثار ابن بطوطه هم قابل ردیابی است و زبان‌شناسان صدها کلمه فارسی را در زبان مالایی شناسایی کرده‌اند که جالب‌ترین آنها شاید همین کلمه آفتاب باشد. پیشنهاد تأسیس کرسی زبان فارسی و ترویج فرهنگ ایران در اندونزی به سال ۱۳۳۷ بازمی‌گردد و اینها نشانه همان پیوند تمدنی است که رئیس‌جمهور درباره آن سخن گفت. تمام این نزدیکی‌ها گرچه تأکید مؤکدی بر نفوذ تمدن ایران در گوشه‌گوشه جهان دارد، اما نیازمند نگاه تازه و البته منافع‌محور است. نگاهی که بتواند از ظرفیت‌های بزرگ‌ترین اقتصاد منطقه جنوب شرق آسیا و هفتمین اقتصاد برتر جهان از نظر شاخص تولید ناخالص داخلی، بهره کافی را در راستای منافع ملی برد. در مراسم استقبال رسمی، پس از گرفتن عکس یادگاری رؤسای جمهور ایران و اندونزی، اعضای هیئت‌های عالی‌رتبه دو کشور معرفی شدند. همچنین هم‌زمان با ورود آیت‌الله رئیسی به کاخ ریاست‌جمهوری اندونزی، ۲۱ گلوله توپ به افتخار ورود رئیس‌جمهوری اسلامی ایران و هیئت همراه شلیک شد. در ادامه، رؤسای جمهور دو کشور در محوطه کاخ مِرداکا به نشانه صلح و دوستی دو اصله نهال غرس کردند. بلافاصله پس از مراسم استقبال، گفت‌وگوی خصوصی «ویدودو» و آیت‌الله «رئیسی» در ایوان کاخ مِرداکا آغاز شد و سپس هیئت‌های عالی‌رتبه دو کشور برای توسعه همکاری‌های تهران و جاکارتا مذاکره کردند.

در ادامه برنامه‌های دیروز هیئت ایرانی در اندونزی، مقامات عالی‌رتبه ایران و اندونزی در راستای گسترش و تعمیق تعاملات اقتصادی و سیاسی ۱۱ سند و تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند. تفاهم‌نامه تجارت ترجیحی، لغو روادید، مبادلات فرهنگی، همکاری نظارتی بر تولید فراورده‌ای دارویی، همکاری در زمینه‌های علمی، فناوری و نوآوری و همکاری دوجانبه در زمینه نفت و گاز ازجمله اسناد همکاری امضاشده میان وزرای امور خارجه، ارتباطات و فناوری اطلاعات، نفت، معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور و معاون وزیر صمت با همتایان اندونزیایی بود. در این مراسم اسناد همکاری امضاشده در حضور رؤسای جمهور دو کشور رونمایی شد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سفر را باید لغو روادید دانست که حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه کشورمان و خانم رتنو مرسودی، وزیر امور خارجه اندونزی، تفاهم‌نامه مربوط به لغو روادید میان تهران و جاکارتا را به امضا رساندند. در این سفر، رئیس‌جمهوری را وزرای اقتصادی دولت و وزیر امور خارجه همراهی می‌کنند. امضای اسناد همکاری در بخش‌های مختلف، دیدار با مقامات و رؤسای مجلس نمایندگان و مشورتی، نشست با تجار و فعالان اقتصادی دو کشور، گفت‌وگو با علما و اندیشمندان اندونزیایی و دیدار با ایرانیان مقیم اندونزی در راستای گسترش و تعمیق تعاملات اقتصادی و سیاسی با کشورهای آسیایی از برنامه‌های سفر دوروزه رئیسی به اندونزی است.

«شرق» از چند و چون ۲ لایحه متفاوت درباره حجاب گزارش می‌دهد

۳ قوه درگیر لایحه حجاب

داوود حشمتی: پیش از آنکه به پاییز ۱۴۰۱ و وقایع سال گذشته برسیم، فشارهای ستاد امر به معروف و نهی از منکر و تأکید بر فشارهای بیشتر برای اعمال حجاب، سرانجام به رخدادهای چند ماه قبل منجر شد. با فروکش‌کردن اعتراض‌ها شاهد تغییراتی در وضعیت حجاب در جامعه بودیم. این تغییرات سبب شد تا حامیان دیدگاه سنتی به دولت فشار وارد کنند که باید به این وضع پایان دهد. درنهایت لایحه‌ای برای ارسال به مجلس آماده شده است که دو روایت از آن وجود دارد. نسخه اولیه که قوه قضائیه آن را نوشت و به دولت داد و نسخه ثانویه که قرار است از دولت به مجلس فرستاده شود.

دو نسخه‌ای که ظاهرا با هم تفاوت‌هایی دارد. تفاوت‌هایی که به جهت راضی‌کردن جریان تندرو نزدیک به دولت ایجاد شده تا نگرانی آنها را برطرف کند. این‌طور به نظر می‌رسد که نگاه قوه قضائیه به برخورد با حجاب، منطبق بر دیدگاه حامیان دولت و بخش تندرو اصولگرایان نیست. این را از انتقاداتی که به لایحه قوه قضائیه صورت گرفت، می‌توان فهمید. به‌طور خلاصه اینکه انتشار لایحه اولیه پیامی با این مضمون با خودش به همراه داشت: «نگاه قوه قضائیه با نگاه تندروها منطبق نیست».

اول: لایحه‌ای که منتشر شد

اوایل هفته اعلام شد که متن لایحه‌ای که قوه قضائیه برای حجاب آماده کرده، به دولت ارسال شده است. بلافاصله بعد از آن متنی در فضای مجازی منتشر شد که ادعا شده بود متن لایحه‌ای است که درباره حجاب آماده شده است. هیچ‌کس درباره منشأ این لایحه و انتشارش حرفی نزد. حتی مشخص نبود این همان لایحه‌ای است که دقیقا به مجلس فرستاده می‌شود یا نه؛ با این حال رسانه‌ها به واکاوی آن پرداختند.

اعتراضات به این لایحه از سوی بدنه نزدیک به دولت آغاز شد. آنها پیش‌ازاین نیز از دولت می‌خواستند که در خیابان و اماکن عمومی فشار را بر مردم بیشتر کند. اصراری که درنهایت منجر به آن شد که فراجا از ۲۶ فروردین طرح آن را با حضور جدی رسانه‌ای کلید بزند. حالا یک ماه از آن طرح گذشته و طبیعتا نحوه برخوردها باز هم این دسته را راضی نکرده است.

اگر نگاهی به روزنامه‌های کیهان و همشهری و نوشته حمید رسایی بیندازیم، می‌بینیم که لایحه آماده‌شده از سوی قوه قضائیه نه‌تنها مطلوب آنها نبود؛ بلکه به‌شدت به آن انتقاد داشتند.

دوم: لایحه نامطلوب

جریان تندرو اصولگرا کم‌کم انتقاد به این لایحه را از سطح گروه‌های تلگرامی و کانال‌های ایتا خارج کرد و در رسانه‌ها به‌صورت علنی فریاد زد. روزنامه کیهان در حمله‌ای به این لایحه نوشته بود: «نگاهی به مفاد این لایحه و مقایسه مواد پیشنهادی آن با قوانین موجود، این تلقی را به دنبال دارد که انگار لایحه یادشده نه برای مقابله با بی‌حجابی، بلکه با هدف (ولو ناخواسته) حذف موانع قانونی موجود و زمینه‌سازی برای گسترش این پدیده زشت و پلشت تهیه شده است!...» (کیهان، ۱ خرداد ۱۴۰۲).

روزنامه همشهری نیز در انتقاد به این لایحه قوه قضائیه را مورد حمله قرارداده و می‌نویسد: «در متنی که در فضای مجازی به‌عنوان لایحه جدید عفاف و حجاب منتشر شده و البته تاکنون دولت، قوه قضائیه و مجلس متن رسمی آن را منتشر نکرده‌اند، قوانین و مقررات دستخوش تغییرات وسیع و نگران‌کننده شده است که اگر صحت داشته باشد، ضربه بدی به حیثیت رفیع دستگاه قضائی است. رکن این تغییرات هم این است که مرجع قضائی کشور عدم رعایت حجاب شرعی را تا قبل از آنکه منجر به کشف حجاب کامل سر شود، کلا کیفرزدایی و به امری کاملا مجاز تبدیل کرده و حتی از ممانعت فیزیکی ضابطین مقابل افراد مجرم - حتی اگر بی‌حجاب کامل یا نیمه‌برهنه باشند، تا وقتی کاملا برهنه نشوند- جلوگیری می‌کند!» (همشهری، ۲ خرداد ۱۴۰۲).

حمید رسایی از افراد نزدیک به تفکر پایداری هم در مخالفت با این لایحه به منتقدان (که احتمالا از دوستانش بودند) می‌گفت باید فعلا صبر کنند تا دولت لایحه را تغییر دهد. او نوشته بود: «لایحه قوه قضائیه طبق قانون تحویل دولت شده است. دولت در کمیسیون‌های خودش آن را بررسی و تغییراتی داده است. طبق قانون، این لایحه باید از طریق دولت به مجلس ارسال شود و قوه قضائیه نمی‌تواند مستقیما لایحه ارسال کند. دیروز مجلس بودم. هنوز هیچ لایحه‌ای تحویل مجلس نشده است؛ پس اساسا متنی برای رسیدگی در مجلس نهایی نشده است تا قابل نقد باشد. دوستانی که نقد می‌کنند، براساس محتوایی است که برخی رسانه‌ها منتشر کرده‌اند که از صحت و سقم آن اطلاعی ندارم».

سوم: آنچه از اختلافات می‌فهمیم

از محتوای مطالب منتشرشده این موارد را متوجه می‌شویم:

۱- لایحه‌ای که منتشر شده، لایحه قوه قضائیه بود، نه دولت.

۲ - جریان تندرو از این لایحه که از سوی قوه قضائیه آماده شده بود، ناراحت‌اند و به آن نقد جدی دارند.

۳ - دولت در این لایحه تغییراتی انجام داده است. این موضوع را سخنگوی دولت نیز در روز اول خرداد در گفت‌وگو با رسانه‌ها تأیید کرد.

۴ - لایحه‌ای که دولت آماده کرده و قرار است به مجلس برود، هنوز در دسترس عمومی قرار نگرفته است.

۵ - به عبارت «ضربه بدی به حیثیت رفیع دستگاه قضائی است» که از سوی روزنامه همشهری نوشته شده است، باید دقت بیشتری کرد که محل نزاع را روشن می‌کند. درواقع از نگاه آنها ارائه آن لایحه «حیثیت» قوه قضائیه را مورد خدشه قرار می‌دهد.

۶ - بعد از انتشار لایحه‌ای که دولت به مجلس می‌فرستد، باید آن را با لایحه فعلی مقایسه کرد و تفاوت‌های دو لایحه درواقع تفاوت‌های نگاه قوه قضائیه و قوه مجریه به موضوع برخورد با حجاب است.

ودرپایان:

بااین‌همه سؤال این است که لایحه اول و درحالی‌که هنوز قرار بود تازه به دست دولت تغییراتی بر آن اعمال شود، چرا و چگونه منتشر شد؟ پاسخ این سؤال از دو حال خارج نیست: یا قوه قضائیه لایحه‌ای را که آماده شده بود، منتشر کرده تا نوع نگاهش به موضوع برخوردهای حجاب را مشخص کند یا این لایحه از سوی جریان دولتی فاش شده تا فشارها به قوه قضائیه بیشتر شود و در پی آن دولت دست به تغییراتی در این قانون بزند.

فراموش نکنیم که نگاه این دسته تا چه اندازه در این موارد تند و افراطی است. رجائیوز در یادداشتی که ماه گذشته و ذیل عنوان «چک‌های میلیونی که نقد نمی‌شود» ضمن توصیه به بدنه حزب‌اللهی برای فاصله‌گرفتن از دولت نوشته بود: «باید از میانجی (دولت) جدا شد و تبدیل به پلیس بد گردید». «باید صف‌کشی‌های خیابانی داشته باشید». «دستور کار هرکسی در محیط‌های خُردتر مانند دانشگاه، محله، بسیج، مسجد، هیئت و... بنا به اقتضای شرایط مشخص است. باید شلوغ کرد».

به نظر می‌رسد جریانی«در خیابان» همچنان به دنبال بازی‌کردن نقش «پلیس بد» است و می‌خواهد «شلوغ‌کاری کند» تا به جهت فشار بیشتر در جامعه مسئولان را تحت فشار قرار دهند. حالا نیز توپ در زمین مجلس است که پیش‌ازاین جبهه پایداری درباره آن معتقد بود به قوانین مربوط به حجاب بی‌توجه هستند؛ اما سؤال اصلی که باید به دنبال پاسخ آن بود، این است که در پس این «شلوغ‌کاری» و «صف‌آرایی خیابانی» آیا اهدافی نهفته است که از آن بی‌خبریم؟

«شرق» از انتخابات پرحاشیه هیئت‌رئیسه مجلس و ماجرای برخی از آرای اخذشده گزارش می‌دهد

گلدان جنجالی

شرق: بالاخره روز موعود فرارسید و نامزدهایی که از مدت‌ها قبل خود را آماده کارزار انتخاباتی برای اجلاسیه چهارم کرده بودند، مهیای رقابت نهایی در صحن علنی شدند. انتخاباتی که از این جهت که سال آخر مجلس و موعد نزدیک‌شدن به انتخابات ۱۱ اسفند بود، برای نامزدها اهمیت بالایی داشت. همین اهمیت موضوع هم باعث شده بود بنا بر گفته برخی نمایندگان و شنیده‌ها، حواشی زیادی متوجه برخی کاندیداها شود. حتی حساسیت ماجرا نزدیک بود کار را به زدوخورد و برخورد فیزیکی بین دو نفر از نمایندگان بکشاند که با ممانعت سایر نمایندگان مسئله ختم به خیر شد. مجلس یازدهمی‌ها صبح روز گذشته با ورود به دستور کار انتخابات هیئت‌رئیسه برای سال آخر، با ۲۱۰ رأی برای چهارمین سال متوالی سکانداری و ریاست مجلس را به محمدباقر قالیباف سپردند. هرچند از ابتدا هم القا کرده بودند که این کرسی رقیب ندارد و یکی از رقبای قالیباف همچنان الیاس نادران بود که در اجلاسیه‌های گذشته نیز صرفا به قصد مخالفت با ریاست قالیباف، کاندیدا شد و ۴۷ رأی کسب کرد و فریدون عباسی هم تنها با هفت رأی موافق معلوم نشد به چه منظور و نیتی باز برای کرسی ریاست به رقابت پرداخت! اما تلاش برای کسب کرسی نایب‌رئیسی شکل دیگری داشت و رقابت اصلی برای تصاحب این سمت بود. به همین دلیل اگرچه به گفته عمویی، سخنگوی فراکسیون انقلاب اسلامی، از نامزدها تعهد گرفته شده بود به رأی فراکسیونی پایبند باشند و در صورت عدم رأی‌آوری در فراکسیون به‌طور انفرادی در صحن نامزد نشوند اما علی نیکزاد نماینده مردم اردبیل، نمین، نیر و سرعین و نایب‌رئیس اجلاسیه سوم که موفق نشده بود در انتخابات فراکسیون انقلاب رأی لازم را به دست آورد، در صحن اعلام نامزدی کرد و به رقابت با عبدالرضا مصری، نماینده مردم کرمانشاه و مجتبی ذوالنوری، نماینده مردم قم پرداخت. طبق شمارش آرا، مصری موفق شد با ۱۵۸ رأی نایب‌رئیس اول در سال پایانی مجلس شود و انتخاباتی بدون حاشیه داشته باشد. اما انتخابات نایب‌رئیسی دوم حواشی زیادی برای مجلس ایجاد کرد؛ چراکه به دلیل مساوی‌شدن آرای نیکزاد و ذوالنوری، آرا چند بار مورد بازشماری قرار گرفت. در ابتدا وقتی آرا مساوی شد، نمایندگان مسئول شمارش آرای نایب‌رئیسی در جایگاه هیئت‌رئیسه و نزد قالیباف رفتند و از او خواستند که بین نیکزاد و ذوالنوری قرعه‌کشی انجام شود اما قالیباف بار اول نپذیرفت و از آنها خواست که دوباره آرا شمارش شود. به همین دلیل دوباره آرا شمارش شد و بازهم همان رأی مساوی به دست آمد. بنابراین مجدد گلدانی با دو اسم نیکزاد و ذوالنوری پیش قالیباف برده شد و از او خواستند قرعه‌کشی انجام شود که این بار نام ذوالنوری بیرون آمد. همین مسئله باعث تنش بین مرتضی محمودوند، نماینده مردم خرم‌آباد با عیسی‌زاده، نماینده میاندوآب، در حمایت از ذوالنوری شد. محمودوند، عیسی‌زاده را به سمتی هل داد و رو به جایگاه خبرنگاران و عکاسان با صدای بلند گفت ذوالنوری چهار رأی جلو افتاده است اما می‌گویند آرا دوباره شمارش شود. او قصد درگیری با عیسی‌زاده را داشت که به حمایت از نیکزاد پرداخته بود اما نمایندگان مانع این اتفاق در صحن و مقابل دوربین خبرنگاران و عکاسان شدند. در نهایت به‌واسطه قرعه‌کشی، ذوالنوری موفق شد بر کرسی نایب‌رئیسی دوم مجلس در سال چهارم بنشیند و نیکزاد را پس بزند. همین شمارش چندباره آرای ذوالنوری و نیکزاد برای کرسی نایب‌رئیسی دوم، دو ساعت به طول انجامید؛ مسئله‌ای که تاکنون مسبوق به سابقه نبوده است. بعد از تمام کش‌وقوس‌ها، عبدالرضا مصری نایب‌رئیس اول و مجتبی ذوالنوری نایب‌رئیس دوم مجلس در آخرین سال فعالیت دوره یازدهم شدند و بعد از اعلام رأی، ذوالنوری با لبخندی حاکی از رضایت مقابل صندلی نمایندگان حاضر شد و از آنها تشکر کرد. علاوه بر این، درخصوص آرای دبیران نیز مباحث حاشیه‌ای پیش آمد و کار به شمارش آرای دوباره حاجی‌دلیگانی و یوسفی کشید. نتیجه کار هم به این نحو رقم خورد که نمایندگان محسن دهنوی را با ۱۹۶ رأی، محمد رشیدی را با ۱۹۳ رأی، روح‌الله متفکرآزاد را با ۱۸۰ رأی، احمد نادری را با ۱۶۷ رأی، علی کریمی‌فیروزجایی را با ۱۶۵ رأی و مجتبی یوسفی را با ۱۵۲ رأی از مجموع ۲۷۵ رأی مأخوذه به‌عنوان دبیران هیئت‌رئیسه مجلس برای اجلاسیه چهارم مجلس یازدهم انتخاب کردند. پس از آن مجلسی‌ها به سیدنظام‌الدین موسوی، محسن پیرهادی و علیرضا سلیمی به‌عنوان اعضای ناظر هیئت‌رئیسه مجلس در اجلاسیه چهارم رأی دادند. بنابراین بعد از مشخص‌شدن نتایج آرا، در خلال تشکر منتخبان هیئت‌رئیسه از نمایندگان برای اعتماد به آنها، محمدحسین فرهنگی از کاندیداهای دبیری هیئت‌رئیسه مجلس نیز در تذکری گفت: «شب گذشته در فراکسیون جلسه‌ای برگزار شد. مطالبی خلاف واقع علیه بنده مطرح شد. در این جلسه هم دروغ گفتند و هم خیانت در امانت کردند. حال امروز بیانیه نیز داده‌اند. نصیحت هم می‌کنند. برای من مهم نیست ولی برای مجلس باید مهم باشد». اگرچه تغییرات زیادی از نظر عدد در ترکیب هیئت‌رئیسه سال چهارم مجلس رخ نداد، اما جابه‌جایی در کرسی نایب‌رئیسی در این ترکیب اتفاق مهمی بود که نمی‌توان به‌سادگی از آن گذشت. کار که به اتمام رسید، ترکیب جدید هیئت‌رئیسه برای ادای سوگند پشت تریبون قرار گرفتند و در برابر قرآن مجید به خداوند قادر متعال سوگند یاد کردند که حداکثر توان خود را برای اجرای آیین‌نامه داخلی مجلس با مراعات بی‌طرفی کامل در انجام وظایف به کار بگیرند و از هرگونه اقدام مخالف آیین‌نامه اجتناب کنند. بنابراین طبق رأی نمایندگان در اجلاسیه چهارم، حسینعلی حاجی‌دلیگانی و احمد امیرآبادی جای خود را به روح‌الله متفکرآزاد و مجتبی یوسفی دادند. همچنین در نایب‌رئیسی هم ذوالنوری به جای نیکزاد انتخاب شد. بنابراین از این پس ترکیب جدید هیئت‌رئیسه سال چهارم مجلس به این شرح خواهد بود: رئیس محمدباقر قالیباف، نواب رئیس عبدالرضا مصری و مجتبی ذوالنوری، دبیران سیدمحسن دهنوی، محمد رشیدی، علی کریمی‌فیروزجایی، مجتبی یوسفی و احمد نادری، ناظران سیدنظام‌موسوی، علیرضا سلیمی و محسن پیرهادی. گفتنی است پس از اتمام جلسه علنی مجلس و تعیین تکلیف ترکیب هیئت‌رئیسه اجلاسه چهارم، به مناسبت سوم خرداد، سالروز آزادسازی خرمشهر، به‌عنوان نماد به نمایندگان یک شاخه گل سرخ به همراه یک چفیه هدیه داده شد.